

نظام مشارکت شهروندان در روند قاعده سازی

اجتماعی

نگارنده: مهدی شفیعی

کارشناس ارشد حقوق

سرشناسه	: شفیعی، مهدی، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور	: نظام مشارکت شهروندان در روند قاعده‌سازی اجتماعی / نگارنده مهدی شفیعی
مشخصات نشر	: تبریز: رندان قلم، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۸۹ ص: نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۱۹۴-۲-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: مشارکت اجتماعی
موضوع	: Social participation
موضوع	: جامعه مدنی
موضوع	: Civil society
ردیفی دیوبی	: ۳۰۲/۱۴
ردیفی کنکوه	: ۱۳۹۷ ن ۶ ش ۷ / HM ۱۳۱
ماره ۲، شناسی ملی	: ۵۴۶۰۵۶۳

استاد
رندان

عنوان کتاب	: نظام مشارکت شهروندان در روند قاعده‌سازی اجتماعی
پدیدآورنده	: مهدی شفیعی
ناشر	: رندان قلم
نوبت چاپ و سال چاپ	: اول، پائیز ۱۳۹۷
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
محل نشر	: تبریز
چاپ صحافی	: پیشگام
قیمت	:
شابک	: 978-600-98194-2-3

۱	مقدمه کتاب
---	------------

بخش نخست: کلیات

۴	مقدمه
۴	۱-۱- مفهوم مشارکت عمومی (شهروندی)
۷	۲-۱- انواع مشارکت از لحاظ موضوع
۱۰	۳-۱- مفهوم مشارکت عمومی در فقه و قرآن کریم
۱۳	۱-۳-۱- رابطه مشارکت عمومی با جمهوریت
۱۴	۲-۳-۲- رابطه مشارکت عمومی با دموکراسی
۱۷	۴-۱- مفهوم و جایگاه حق شهروندی در قاعده سازی اجتماعی
۲۵	۵-۱- چستی مبنای قاعده حقوقی، حقوق مارتن
۲۹	۶-۱- حق تعیین سرنوشت و قاعده سازی بر اساس قواعد حقوق بین الملل
۳۳	۷-۱- مروری بر تحقیقات صورت گرفته در خصوص موضوع مورد بحث

بخش دوم: چارچوب نظری مشارکت شهروندی با تاکید بر قاعده سازی حقوقی

۳۶	۱-۲- نقش مشارکت پذیری (به عنوان یکی از اصول اخلاقی، مروارید، خوب) در قاعده سازی حقوقی و اجتماعی
۳۸	۲-۲- مروری بر نظریه های مشارکت شهروندی
۳۹	۱-۲-۲- نظریه جیمز فریزر
۴۱	۲-۲-۲- نظریه هابرماس
۴۵	۳-۲-۲- نظریه جیمز کلن
۴۷	۴-۲-۲- احساس محرومیت نسبی و تاثیر آن در مشارکت عمومی
۴۸	۳-۲- مشارکت عمومی و مبنای نظری سرمایه اجتماعی در مشارکت
۵۱	۴-۲- بررسی نظری مشارکت شهروندان در فرایند قاعده سازی اجتماعی
۵۴	۵-۲- مشارکت سیاسی نوین (آنلاین) در قاعده سازی اجتماعی
۵۸	۶-۲- مفهوم اثر بخشی یا اعتماد سیاسی در مشارکت عمومی
۵۹	۷-۲- رابطه ی میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی
۶۲	۸-۲- نقش دولت در روند مشارکت پذیری مردم
۶۴	۹-۲- تمهید تلویحی و اعتماد اجتماعی در مشارکت عمومی
۶۷	۱۰-۲- قاعده سازی اجتماعی توسط ارکان حکومت
۷۰	۱۱-۲- جایگاه جامعه مدنی در ایجاد قاعده حقوقی و اجتماعی
۷۳	۱۲-۲- قاعده سازی نهادهای اقتصادی

بخش سوم: نتیجه گیری

۸۰	منابع و مآخذ
----	--------------

مقدمه کتاب

قاعده سازی اجتماعی یعنی طراحی و استفاده از الگوهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که حالت تعادلی متناسب با شرایط زمان و مکان را خواهند داشت و در عین حال روند تکاملی دارند. آنچه در این خصوص حائز اهمیت بیشتر است، اینکه ماهیت واقعی مشارکت اقتضا می کند که ساختارهای منقبض و عمودی اجتماعی و سیاسی به سمت ساختارهای بسیط و گسترده میل نمایند. مشارکت به مفهوم واقعی آن نظام اجتماعی را می طلبد که در آن حدود اختیارات و نقش تمامی بازیگران حوزه عمومی که دولت نیز یکی از آنها است به خوبی مشخص و ضابطه مند شده باشد. این نوع از مشارکت مستلزم نهادهایی از جنس نهادهای غیر دولتی و مدنی است. باید اذعان است که مشارکت دارای ساز و کارها، ضرورت ها و پیش زمینه هاست که در صورت محقق نشدن آن امکان مشارکت واقعی و نامند در جهت بهبود امور پدید نمی آید. عدم ثبات مدیریت در اتخاذ الگوهای مشارکت هدفمند، مانع از این زمینه است نظریه های نابسامانی، از خودیگانگی و بی قدرتی خاصیتی چون احساس بی قدرتی و نابسامانی سردی، متاثر از شرایط اجتماعی می دانند. هرچه این احساس در میان افراد وجود داشته باشد، احتمال ورود آنان در مالیت های جمعی و مشارکتی کاهش می یابد.

جامعه مدنی (نظام مشارکتی شهروند) از رقابت بالقوه دولت در ایجاد قاعده حقوقی و اجتماعی است و تحلیل گستره صلاحیت آن در تشخیص صلاحیت دولت، مؤثر است. منظور از جامعه مدنی واسطه بین جامعه و دولت و تأمین کننده نظارت فرد بر دولت است. از اوایل دهه نود قرن بیستم، مدعیان دولت ملزم به مشارکت دادن معنادر شهروندان در تصمیم گیری ها است. دیگر صرف مشارکت دموکراسی بر اساس رأی دموکراسی انتخابی کافی نیست، بلکه مشارکت معناداری مورد نظر است که حضور اقلیت ها و گروه های آسیب پذیر و به خصوص زنان را تضمین و منافشان را تأمین کند. نهادهای جامعه مدنی مناسب ترین مکان جهت تحقق مشارکت شهروندان در تصمیم سازی است.

جامعه مدنی، محدوده ای از زندگی اجتماعی عمومی ولی خارج از دولت است و نقش نهاد واسطه میان جامعه (زندگی خصوصی افراد) و دولت را بازی می کند. فعالیت مدنی حرکت مشارکت جویانه به هدف تأثیرگذاری بر فرهنگ جامعه و حفاظت از شرافت انسانی در برابر دولت و بازار است. عمل جامعه مدنی معطوف به قدرت نیست و تنها به دنبال تأثیرگذاری بر قدرت و انسانی کردن رابطه دولت و جامعه است.

نهادهای جامعه مدنی انواعی دارد که از جایی به جای دیگر متفاوت است، از جمله: اتحادیه‌های کارگری، مراکز مستقل مذهبی، احزاب، جنبش‌ها، مجلات، تعاونی‌ها، مکاتب فکری، اصناف، کانون وکلای دادگستری، سازمان‌های خدمات انسان دوستانه، رسانه‌های مستقل خبری، واحدهای اطلاع رسانی، انجمن‌های فرهنگی و... بعضی حتی خانواده را به دلیل جایگاهش در تولید و بازتولید الگوهای روابط اجتماعی یک نهاد مدنی می‌دانند.

نظر می‌رسد، در فهرست کردن نهادهای جامعه مدنی باید مراقب عدم تجميع زندگی خصوصی و عمومی و تولید شکلی از فئودالیسم بود، چون در این صورت جامعه مدنی نه یک حوزه مستقل واسطه در دوران مدرن که فضایی میان و متشکک از مجموعه‌ای از نهادهای حکومتی و خصوصی با کارکردهای میانی می‌شود.

در دوران پیش ازین، نهادهای مشابه نقش مهمی در ایجاد و تضمین قاعده اجتماعی و حقوقی داشتند. با تشکیل دولت مدرن، نهاد قاعده‌گذار دولتی بسیاری از قواعد ساخت جامعه را تأیید کرد. دولت مدرن به تدریج به سمت انحصار صلاحیت قاعده‌گذاری پیش رفت، تا جایی که تا اواخر قرن نوزدهم میلادی فرض بر این قرار گرفت که دولت تنها منشأ مشروع قاعده‌گذاری است.

با این حال جامعه‌شناسان حقوقی، مشروعیت قاعده‌گذاری را برای جامعه می‌دانند و می‌گویند بازیگران جامعه به قاعده شکل می‌دهند و به آن اثر می‌بخشند؛ پس حتی در این صورت، جامعه به شکل غیر مستقیم در قاعده‌سازی سهیم است، چرا که حقوق از زمینه‌ای که در آن اجرا می‌شود، می‌پزد؛ بنابراین حتی اگر منشأ رسمی قاعده دولت باشد، جامعه الزاما در قاعده‌سازی سهیم است و جایگاه خود را دارد.